

تدبیر معیشت از دیدگاه اسلام (۱)

قربان جمالی

کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

سامان‌بخشی و تدبیر امور معیشت، بخش مهمی از زندگی انسان است. دستیابی به معیشت سالم و شایسته، با بهره‌گیری از معارف آسمانی و کمک گرفتن از مواهب الهی و قوای ادراکی امکان‌پذیر است.

تدبیر همیشه هماهنگ با دانش و تخصص و عقل و درایت بوده، از عمل بدون تفکر به دور است. سامان دادن امور معیشت براساس وحی و تعالیم ارزشمند اسلام، راه‌های رسیدن به سعادت را به او می‌نمایاند. امروز جوامع بشری نیازمند این آموزه‌ها و رهنمودهای حیاتبخش و مطابق با فطرت در این زمینه می‌باشند. دین اسلام با نگرش جامع به تمام ابعاد مادی و معنوی، و فردی و اجتماعی انسانها، برنامه زندگی آنان را جهت دستیابی به سعادت دنیا و آخرت ارائه کرده است.

مقاله حاضر می‌کوشد وصول به این هدف را به صورت فشرده و اختصار در چهار محور اساسی راهبردهای تدبیر معیشت، راهکارهای تدبیر، آثار تدبیر و پیامدهای بی‌تدبیری در امور معیشت را مورد بررسی قرار دهد. و در این شماره به دو محور اول می‌پردازد.

واژگان کلیدی: تدبیر، معیشت، رزق، راهبردها، راهکارها، آثار، پیامدها.

مقدمه

درباره امور معیشت و مسائل مادی زندگی انسان، سه نظر مطرح است؛ برخی تمام اهداف زندگی خود را در لذت‌گرایی و رسیدن به لذت‌های بیشتر قرار داده‌اند. ضعف و یا عدم ایمان به

حیات اخروی و نعمات الهی در آن، موجب شده است که اینان تلاش و کوشش خود را در وصول به امور دنیوی منحصر کنند و از امور معنوی و آخرتی غفلت ورزند.

در مقابل، گروه دیگر امور مادی و دنیوی را مانع آخرت جویی دانسته‌اند و با تمسک به ظاهر برخی آیات و روایات، دنیا‌گریز شده‌اند و گویند: دنیا لهو و لعب است، تمام سودهای دنیا، باعث زیان است؛ دنیا فانی است؛ ثروت دنیا فقر آخرت را به دنبال دارد، و اصولاً آیات و روایات، تدبیر و برنامه‌ای در عرصه‌های گوناگون معیشت ندارند. این گروه با این تفکر، حتی در پی رفاه نسبی نبوده، سخت‌گیری‌هایی نیز در این جهت دارند و دچار افراط و تفریط‌هایی در کارهای خود هستند.

گروه سوم در برابر دو نگرش فوق، بر این باور است که با توجه به جامع بودن دین اسلام و رابطه تنگاتنگ بین دنیا و آخرت، توجه به مسائل مادی در جهت تداوم و استمرار زندگی دنیوی ضروری و حتی مقدمه زندگی اخروی است. به همین جهت، شرع مقدس برای همه ابعاد زندگی انسان از جمله معیشت، تدبیر و برنامه و راهکارهایی ارائه داده است.

تتبع در آیات قرآن کریم و سخنان و سیره معصومین (ع) نشان می‌دهد که دعوت به آخرت و عالم بقا، هیچ منافاتی با کار و کوشش و تولید اقتصادی و پرداختن به امور مادی و معیشتی نداشته و ندارد. از این رو مقاله حاضر بر راه سوم تأکید دارد.

اهمیت و ضرورت

اصولاً انسان در زندگی خود، نخست به شناخت دین و ژرف‌نگری در مسائل آن نیاز اساسی دارد؛ چرا که انسان فاقد دین، فاقد زندگی است. سپس به اندازه‌داری و تدبیر صحیح در امور زندگی، و پس از آن به صبر و استقامت در برابر مصائب و مشکلات که به ناچار در زندگی با آنها مواجه می‌گردد نیاز دارد. چنان که امام صادق (ع) این سه امر را سبب صلاح حال انسان مؤمن و تعالی او در زندگی دانسته، می‌فرماید:

لَا يَصْلُحُ الْمُؤْمِنُ إِلَّا عَلَى ثَلَاثٍ خِصَالٍ: اتَّقَهُ فِي الدِّينِ، وَ حَسَنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ، وَالصَّبْرُ عَلَى الثَّابِتَةِ.^۱

صلاح کار مؤمن تنها در سه خصلت است: شناخت عمیق دین، اندازه‌داری صحیح در معیشت، و صبر در برابر مصائب.

قرار گرفتن اصل تدبیر و تقدیر در امور معیشت، در کنار دو اصل مهم ژرف‌شناسی دین و صبر در برابر مصائب و مشکلات، از اهمیت آن حکایت دارد.

دو عنصر، جوهر و ماهیت کارهای معیشتی است: عنصر میانه‌روی (دوری از اسراف و تبذیر و اتلاف نیروها و امکانات) و عنصر تدبیر (عاقبت‌اندیشی و برنامه‌ریزی و مدیریت). و در روایتی از امام صادق، همه سامان‌یابی اقتصادی در گرو این دو امر خلاصه شده است.^۲

در همین راستا پیامبر اکرم (ص) سخن ارزشمندی به ابن مسعود فرمود:

ای پسر مسعود! هرگاه قصد کاری داری، آن را با دانش و تخصص و عقل و درایت انجام بده و از عمل بدون فکر بپرهیز؛ زیرا خداوند جل جلاله می‌فرماید: «در مثل ماندن زنی نباشید که رشته خود را پس از تابیدن و اتابد.^۳

امیر مؤمنان (ع) نیز یکی از صفات مؤمنان را آینده‌نگری شمرده است:

الْمُؤْمِنُونَ هُمُ الَّذِينَ عَرَفُوا مَا أَمَأَهُمْ^۴

اساساً تدبیر و آینده‌نگری موجب بصیرت یافتن در امور، استفاده بهینه از منابع و امکانات و جلوگیری از اسراف و تبذیر و ضرر و اتلاف می‌شود و نیز، پیشگیری از دوباره کاری، مصونیت از آبروریزی در جامعه، اعتماد و خوش‌حسابی در میان افراد، و سلامت و عزت و آرامش روان را در زندگی در پی خواهد داشت.

در مقابل، بی‌تدبیری و سوء تدبیر سبب تحقیر و سرگردانی، وابستگی اقتصادی، نابسامانی و فقر، فساد اخلاقی، از دست دادن وجهه و موقعیت اجتماعی، تسلط دشمنان، عقب‌ماندگی و واپسگرایی، فنا و هلاکت منابع و امکانات و سرانجام هلاکت خود انسان خواهد شد. بسیاری مواقع نیز اختلاف و ناسازگاری در محیط خانه و تهدید بنیان خانواده را به همراه دارد.

آثار مثبت و فراوان تدبیر و پیامدهای منفی بی‌تدبیری و سوء تدبیر از یک سو و محدودیت و پایین بودن سطح درآمد افراد در جامعه، بالا بودن تورم و مخارج زندگی، مشکلات تأمین نیازهای ضروری زندگی، افراط و تفریط در این امور، لزوم رعایت ارزش‌های اخلاقی و رفتاری و اقتصادی و فرهنگی در همه کارهای زندگی از سوی دیگر، اهمیت و ضرورت آشنایی و کاربرد تدبیر را در زندگی دوچندان می‌کند.

معناشناسی تدبیر، معیشت و رزق

تدبیر: تدبیر به معنای عاقبت‌اندیشی، تفکر و حسابگری در عواقب و پیامد کارهاست.^۵ به تعبیر دیگر یعنی چیزی را دنبال چیزی آوردن، و مقصود آن است که اشیای متعدد و مختلف را طوری تنظیم کنی که هرکدام به محض قرار گرفتن در جای خاص خود، آن غرضی که از هرکدام آنها متوقع و مورد انتظار است، حاصل گردد.^۶

تدبیر منزل یعنی تدبیر امور خانه و فن اداره امور خانه از نظر نظافت و بهداشت، اقتصاد و غیره که مخصوص بانوان است.^۷ و نیز گفته‌اند معنایش این است که امور خانه و تصرفاتی را که مربوط به آن است منظم نموده، به طوری که وضع آن رو به صلاح گذارد و اهل آن از فواید مطلوبش برخوردار شوند.^۸

در قرآن کریم واژه‌های هم خانواده تدبیر ۴۴ بار و در روایت اسلامی بسیار آمده است. در قرآن «مدیریت» از صفات خداوند^۹ و ملائکه^{۱۰} دانسته شده است. تدبیر خداوند نسبت به امر عالم به این معناست که اجزای آن را به بهترین و محکم‌ترین شکل، منظم سازد، به طوری که هر چیزی به سوی غایت مقصود خودش متوجه گردد و سیر کند و این آخرین کمالی است که مخصوص پروردگار عالم است و تنها به وسیله او صورت می‌گیرد. از این رو تدبیر عبارت است از وحدت کثیر و جمع متفرقات. یعنی امر عالم با همه تشتت و تفرقی که دارد تحت تدبیر واحدی اداره می‌شود، و این نشان‌دهنده توحید ربوبیت و مدبر واحد است و آن خدای سبحان است.^{۱۱} بنابراین خداوند متعال بر اساس محاسبه و برآورد در راستای صحیح و مناسب، و بر پایه نتیجه‌ها و پیامدها با نظم و ترتیب به تنفیذ امور می‌پردازد،^{۱۲} که این تدبیر در برگیرنده هدایت تکوینی مخلوقات، و هدایت تشریحی آنان از طریق فرستادن پیامبران است. اما تدبیر ملائکه بر اساس فرموده امیر مؤمنان (ع) به گونه‌ای است که آنها تدبیر امور مردم را از سالی تا سال دیگر برعهده دارند.^{۱۳}

با توجه به معنای تدبیر می‌توان گفت: تدبیر و عاقبت‌اندیشی و برنامه‌ریزی در امور اداره، سازمان و خانواده رکن اساسی پیشرفت و کمال‌یابی است. امام صادق (ع) فرمود: «الکمال کلُّ الکمال... تقدیر المعیشة»؛^{۱۴} با تدبیر و برنامه‌ریزی اقتصادی زمینه‌دستیابی به همه کمالات فراهم می‌شود.

تدبیر در جهت بهینه‌سازی در استفاده از منابع و امکانات و پیشگیری از اسراف، بهتر از امکانات فراوانی است که با تبذیر و اسراف‌گری همراه باشد.^{۱۵}

مدبر شایسته در امور معیشتی خانواده و یا سازمان کسی است که با برنامه‌ریزی درست و اصولی و هماهنگی بین افراد بخش‌های مختلف و مسئولیت‌های گوناگون، زمینه بهره‌وری و بهینه‌سازی از استعدادها و امکانات را فراهم آورد، تلاشها و فعالیت‌های خود را سازمان دهد، هر چیزی را در جای خودش نهد و هر اقدامی را در زمان مناسب انجام دهد.

تدبیر در شئون زندگی جزو دین است^{۱۶} و حسن تدبیر در این امر، از مواردی است که مؤمنان را از سایر مردمان ممتاز می‌کند؛ چراکه آنان به فرجام هزینه‌ها می‌اندیشند، از اسراف و تبذیر

دوری می‌جویند، میانه‌روی را رعایت می‌کنند، و به یقین می‌دانند که در صورت افراط و تفریط، در آخرت مورد سؤال قرار می‌گیرند.

معیشت: «معیشت» از ماده «عیش» به معنای زندگی است، که تنها در مورد حیات جانداران استعمال می‌شود. این کلمه اخص از کلمه «حیات» است؛ زیرا «حیات» هم در مورد خدای تعالی و فرشتگان به کار می‌رود و هم در مورد جانداران، ولی کلمه «عیش» در مورد خدا و ملائکه استعمال نمی‌شود.^{۱۷} «معایش» جمع «معیشت» به معنای چیزهایی است که مایه زندگی جانداران و ادامه حیات آنان است. از این رو مفهوم وسیعی دارد که تمام وسایل حیات را شامل می‌شود و تنها به زراعت و گیاهان یا خوردنی و نوشیدنی خلاصه نمی‌شود.^{۱۸}

در قرآن کریم آمده است:

وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ.^{۱۹}

و برای شما انواع وسایل زندگی در زمین قرار دادیم.

«معاش» ممکن است اسم زمان یا اسم مکان به معنی زمان و مکان زندگی باشد و نیز ممکن است مصدر میمی باشد.^{۲۰}

ماده «عیش» و مشتقات آن هشت بار در قرآن آمده است و در روایات نیز بسیار فراوان به کار رفته است.

نگاه آیات و روایات در امور معیشت اعم از دخل و خرج و مصارف، به گونه‌ای است که مسئول خانواده باید در جهت ایجاد زندگی پر نعمت و سراسر آرامش و رضایت‌بخش، تلاش کند و از جهات مادی و معنوی خانواده را به جایگاه منطقی و قابل توجهی برساند.

رزق:^{۲۱} به عطاء و بخشش جاری و مستمر، رزق گفته می‌شود.^{۲۲} نیز به هر غذایی که به آدمی می‌رسد، چه دهنده‌اش معلوم باشد و چه نباشد، رزق گویند. گویا رزق بخششی است که به اندازه تلاش و کوشش انسان به او می‌رسد هر چند عطاء کننده آن معلوم نباشد. رزق را با توسعه در معنا، شامل هر سودی نیز دانسته‌اند که به انسان برسد، هر چند که غذا نباشد. به این اعتبار هرگونه عطای مادی و معنوی را شامل می‌گردد.

بنابراین هرگونه عطاء و بهره و مزایای زندگی را که خداوند نصیب بندگان می‌کند اعم از مال، مواد غذایی، پوشاک، جاه، عشیره، یاران، جمال، علم، عقل، فهم، ایمان، اخلاص و غیره را رزق خوانند.^{۲۳}

با توجه به وسعت معنای رزق، محدود کردن مفهوم آن به جنبه‌های مادی، حاکی از عدم توجه دقیق به موارد استعمال آن است. چنان که در بعضی از آیات آمده است:

وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ. ۲۴

و از طیبیات به شما روزی داد.

«طیبیات» معنای وسیعی دارد که هر چیز پاکیزه اعم از غذا، لباس، همسران، خانه‌ها، مرکب‌ها، حتی سخنان و گفت‌وگوها را شامل می‌شود. ۲۵

در آیه شریفه «... بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» ۲۶؛ واضح است که روزی شهدای راه حق در جهان برزخ، نعمت‌های مادی نیست، بلکه عطا‌های معنوی است که حتی تصورش برای انسان در زندگی مادی مشکل است. ۲۷

نیز در بعضی دعاها آمده است:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ. ۲۸

خداوندا انجام حج خانه‌ات را به من روزی کن!

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ طَاعَةَ الْخَاشِعِينَ. ۲۹

خدایا روزی‌ام کن در آن طاعت خاشعان را!

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ. ۳۰

خدایا روزی کن ما را توفیق طاعت و دوری از نافرمانی.

معیار وسعت رزق براساس مصالحی است که پروردگار عالم برای آزمون خلق و نظام زندگی لازم می‌داند و تنگی آن جهت آثار تربیتی و جلوگیری از طغیان مردم است. روزی هر کس مقدر و در عین حال مشروط به کوشش و تلاش او می‌باشد. ۳۱
با توجه به مطالب مذکور، مقاله را در چهار محور ارائه می‌کنیم:

الف. راهبردهای تدبیر معیشت

راهبرد یا استراتژی در مفهوم کلی عبارت است از سیاست‌های کلی در به کارگیری اهرم‌های مختلف اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی برای نیل به اهداف معین و برنامه‌ریزی شده. ۳۲

راهبرد معیشت، اتخاذ سیاست‌هایی معین برای استفاده بهینه از منابع است تا بتوان بهتر به اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت معیشتی دست یافت.

راهبردهای تدبیر معیشت، همان سیاست‌های کلی برای رسیدن به رفاه نسبی، آرامش و امنیت اقتصادی و رفع مشکلات معیشتی براساس مدیریت قوی و دقیق است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. نظم و انضباط

یکی از راهبردهای اساسی تدبیر معیشت، نظم و انضباط است. یعنی ترتیب و سامان دادن برنامه‌های زندگی به طوری که هر کاری در جای خودش قرار گیرد و انجام هر کدام مانع دیگری نباشد.

مدیر کاردان و مدبر کسی است که در این امور، نظم و انضباط را رعایت کند و از واگذاری کار امروز به فردا به شدت پرهیزد؛ چرا که انسان دیندار بر این باور است که هر روز، کار و فعالیت می‌طلبد که ویژه همان روز است. امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «فِي كُلِّ وَقْتٍ عَمَلٌ»^{۳۳} از این رو، در برابر لحظه لحظه زمان مسئول است. امام صادق (ع) به نقل از مواعظ لقمان حکیم می‌فرماید:

در قیامت انسان نسبت به اموری محاسبه و بازخواست می‌شود: ... از لحظات عمر سؤال می‌شود که در چه مسیری و چگونه گذشته است، به همین دلیل بجاست انسان پاسخ لازم و قانع‌کننده برای این پرسش آماده سازد.^{۳۴}

با توجه به این تعالیم ارزشمند، مسامحه کردن در انجام کار امروز و آن را به فردا نهادن، خطایی است جبران‌ناپذیر که رواج چنین روشی در جامعه به سقوط و هلاکت می‌انجامد؛ چرا که فردا به فردا تعلق دارد، و یقین به زنده ماندن در فردا و بهره‌مندی از آن، ناشی از غفلت است. فعالیت‌های معیشتی، خدماتی و تقسیم کارها در زندگی خانوادگی نیز در حیطه نظم و انضباط قرار می‌گیرد، همانطور که امیر مؤمنان علی (ع) در کارهای خانه عهده‌دار جمع‌آوری هیزم (فراهم کردن سوخت)، آب آوردن و تمیز کردن خانه بود، و فاطمه (س) وظیفه آوردن، خمیر کردن و نان پختن را بر عهده داشت.^{۳۵}

بالاخره فراخوان دین در این زمینه این است که انسان وقت خود را زمان‌بندی کند و بدین وسیله از فرصت‌های زمانی مطلوب‌ترین بهره‌ها را ببرد. چنان که امام کاظم (ع) می‌فرماید: وقت خود را چهار قسمت کنید: بخشی را برای عبادت و راز و نیاز با خدا و قسمتی را ویژه فعالیت‌های اقتصادی سازید، بخشی را صرف همبستگی اجتماعی و ارتباط با فامیل و برادران دینی و بخشی دیگر را به تفریحات سالم و لذت‌جویی‌های مشروع بپردازید.^{۳۶}

۲. کار و تلاش

ماهیت هستی انسان را، در ارتباط با ظرف وجود و حیات او، سخت‌کوشی و تلاش تشکیل می‌دهد و این امر ابزاری است برای بودن و شدن آدمی و به فعلیت رسیدن نیروهای جسمی و عقلی وی و رشد و شکوفایی استعدادهای فطری و درونی شخصیت او.

انسان از لحاظ ماهیت، کانون نیازها است. و نیازهای او از مواد موجود در طبیعت برآورده می‌شود. این مواد حاضر و آماده و ساخته شده نیست، بلکه استفاده از آنها نیاز به کار دارد و هر چیزی که بخواهد به نوعی مورد استفاده قرار گیرد باید کاری روی آن انجام شود، این ضرورتی است که نظام طبیعت بر دوش آدمی نهاده است تا بدین وسیله از فقر و تهیدستی و انواع نابسامانیها در زندگی فردی و اجتماعی رهایی یابد.

کار و تلاش سازنده، خواست خداوند، سیره انبیاء و پیشوایان اسلام و صالحان بوده است؛ چنانکه امام کاظم (ع) در این زمینه فرمود:

رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ آبَائِي كُلُّهُمْ كَانُوا قَدْ عَمِلُوا بِأَيْدِيهِمْ، وَ هُوَ مِنْ عَمَلِ النَّبِيِّينَ
وَالْمُرْسَلِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ وَالصَّالِحِينَ.^{۳۷}

امام صادق (ع) می‌فرماید:

دوست دارم انسان برای تأمین زندگی خود در گرمای خورشید رنج و سختی بیند (با کار و تلاش و تحمل زحمت درآمد کسب کند).^{۳۸}

رشد و توسعه در گرو کار و تلاش است، جامعه‌ای که کار و تلاش در آن اهمیت داده نشود، به توسعه واقعی نمی‌رسد. از این رو، بزرگان دین نسبت به کار و کوشش و تأمین گذران زندگی خود از دسترنج خویش، اهتمام فراوانی نشان می‌دادند، و ثواب این عمل را از پاداش مجاهدان در راه خدا بزرگ‌تر می‌شمردند.^{۳۹}

۳. سرمایه‌گذاری

یکی از عوامل اصلی رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری است. با وجود این در ادبیات اقتصادی، خانواده که منشأ اصلی سرمایه‌گذاری است، جایگاه واقعی خودش را پیدا نکرده است. این راهبرد در تدبیر معیشت موجب می‌شود که اعضای خانواده و جامعه از یک پشتوانه محکم برخوردار شوند و از فقر و محرومیت در امان بمانند.

ماهیت مال و سرمایه، ماهیتی «قوامی» (پشتوانه‌ای) برای فرد و جامعه است، و اینکه خطاب‌های مالی در قرآن بیشتر به صورت جمعی است،^{۴۰} اشاره به بعد قوامیت اجتماعی مال دارد.

اصل قوامیت، ضرورت سرمایه‌گذاری را روشن می‌کند، اگرچه ممکن است سرمایه در دست مردم باشد؛ زیرا سرمایه‌هنگامی که به نحوی در خدمت جامعه بود و برای سامان‌یابی جامعه هزینه شد، قوامیت آن باقی می‌ماند، ولی اگر به صورت ذخیره و پس‌اندازهای راكد درآمد، خاصیت قوامیت خود را از دست می‌دهد.^{۴۱} چنانکه امام صادق (ع) می‌فرماید:

إِنَّمَا أُعْطَاكُمْ اللَّهُ هَذِهِ الْفُضُولَ مِنَ الْأَمْوَالِ لَتَوَجَّهُوا حَيْثُ وَجَّهَهَا اللَّهُ، وَ لَمْ يُعْطِكُمْوهَا لَتَكْزُبُوهَا.^{۴۲}

خداوند این اموال را که افزون بر نیازتان به شما بخشیده است، برای آن است که آنها را به همان مصرف‌هایی برسانید که خود او معین کرده است، نه این که آن همه را در نزد خود بیندوزید.

اسلام مشوق کار و سرمایه‌گذاری در همه زمینه‌های اقتصادی مورد نیاز جامعه، اعم از کشاورزی، صنعت، معدن، خدمات و... بوده است. این امر در منابع اسلامی به طور مستقیم تحت عناوینی از قبیل اصلاح‌المال، عمران و احیاء و به طور غیر مستقیم از طریق ترویج قناعت، صرفه‌جویی در مصرف، حرمت راكد گذاشتن مال، حرمت اسراف، تبذیر و اتلاف مورد تأکید قرار گرفته است.

در این راستا نمونه‌ها و مصادیق فراوان از قرآن کریم و روایات اسلامی داریم مثلاً در داستان حضرت یوسف (ع) سخن از برنامه‌ریزی بیش از یک دهه ایشان در سرزمین مصر و سرمایه‌گذاری نسبتاً سنگین در این کشور پهناور به میان می‌آورد. سه نوع سرمایه‌گذاری، یعنی تهیه عوامل تولید و تشکیل سرمایه و به‌کارگیری آن، تهیه انبار (ساختمان) و موجودی انبار برای ایام قحطی و خشکسالی از این برنامه‌ریزی بلند مدت استفاده می‌شود.^{۴۳}

و همین‌طور کثیری از آیات دیگر، نمونه‌های متنوعی از سرمایه‌گذاری را بیان می‌کند. آیات ۲۷ و ۲۸ سوره هود و ۲۷ سوره مؤمنون، به‌کارگیری عوامل به منظور تولید کشتی به سرپرستی حضرت نوح (ع)، آیات ۱۲ و ۱۳ سوره سبأ سرمایه‌گذاری حضرت سلیمان (ع) در ساخت حصارها، تمثال‌ها، ظروف بزرگ غذا و دیگرهای ثابت، آیات ۱۰ و ۱۱ همین سوره و ۲۶-۲۸ سوره قصص به ترتیب سرمایه‌گذاری حضرت داود (ع) در زره‌سازی و انعقاد قرارداد بین حضرت شعیب (ع) و حضرت موسی (ع) و استفاده از خدمات او، آیات ۹۴-۹۷ در مورد سد بین دو کوه به طراحی و اجرای ذوالقرنین و آیه ۶۰ سوره انفال که دستور اقتدار و آمادگی در جهت مقابله با دشمن را تبیین می‌کند.

و در روایات اسلامی نیز نمونه‌های فراوان سرمایه‌گذاری مطرح شده است که فقط به دو نمونه اکتفا می‌کنیم:

زراره از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمود:

مَا يَخْلُفُ الرَّجُلُ بَعْدَهُ شَيْئاً أَشَدَّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَالِ الصَّامِتِ، قَالَ: قُلْتُ لَهُ كَيْفَ يَصْنَعُ بِهِ؟ قَالَ: يَجْعَلُهُ فِي الْحَائِطِ وَالْبُسْتَانِ أَوْ الدَّارِ.^{۴۴}

بدترین چیزی که شخص از خود بر جای می‌گذارد، مال را کد است. زراره گفت: پس با آن چه کند؟ فرمود: آن را در [راه آبادسازی و سرمایه‌گذاری] باغ، بستانی و خانه‌ای قرار دهد.

محمد بن عذافر می‌گوید: امام صادق (ع) هفتصد دینار به پدرم داد و به او فرمود: با این پول تجارت کن. سپس فرمود: من رغبتی به سود آن ندارم، گرچه سود مورد علاقه و مطلوب مردم است؛ اما دوست دارم خداوند مرا در حالی ببیند که خود را در معرض منافع او قرار داده‌ام.^{۴۵} افزون بر اینها، همه روایاتی که عقود مانند مزارعه، مساقات، مضاربه، شرکت، جعاله، اجاره و امثال آن را تجویز نموده‌اند، تجویز صرف درآمد در سرمایه‌گذاری را نشان می‌دهند.

۴. نظارت و کنترل

نظارت و کنترل، بخش مهمی در امور و تضمینی است برای استفاده بهینه از فرصت‌ها و افزایش کارآمدی امکانات که مدیر سازمان یا خانواده را در انجام صحیح مسئولیتش کمک می‌کند. در مقابل، فقدان نظارت لازم در کارها، خلل و فساد ایجاد می‌کند و حاکی از نقص مدیریت و نشانه عدم تدبیر است.

نظارت و کنترل به صورت پنهان و آشکار عملی است. نظارت پنهانی و مخفی از طریق بازرسی ویژه، نقش مهمی در شناسایی نیروها، افزایش کارکردها، بازشناسی فرصت‌طلبان، فتنه‌جویان، چاپلوسان از خیراندیشان مشفق ایفا می‌کند.

از شاخه‌های پراهمیت نظارت و کنترل در امور معیشت، نظارت و کنترل بر مصرف است که گاه ارزش و جایگاه آن از «تولید بیشتر» مهم‌تر می‌شود. مراد از این نوع نظارت، آن است که، مصرف با توجه به سطح درآمد فرد و جامعه و در مواقعی با توجه ویژه به نسل‌های بعد، دوری از اسراف و تبذیر صورت گیرد، تا جامعه به سوی مصرف‌گرایی و وابستگی سوق پیدا نکند.

حضرت یوسف (ع) در دوران وزارت و خزانه‌داری خود به ویژه در هفت سال فراوانی نعمت با تدبیر خاصی مصرف را به شدت نظارت و کنترل نمود و از این طریق بخش زیادی از تولیدات

کشاورزی را برای سالهای قحطی که در پیش بود، ذخیره نمود. آن حضرت در این مدت، مواد غذایی را در مقابل درهم و دینار، جواهرات، چهارپایان، غلامان و کنیزان، خانه‌ها، مزارع و آنها فروخت، سپس تمام آنها را به صورت عادلانه‌ای به آنها بازگرداند؛ چراکه هدفش رهایی بخشیدن مردم مصر از بلا و نابسامانی بود.

در بعد زندگی فردی نیز برخورداری از فراوانی نعمت، نباید موجب زیاده‌روی و اسراف در مصرف شود؛ بلکه باید با کنترل و نظارت دقیق و برنامه‌ریزی صحیح در نحوه مصرف، هم به آینده زندگی توجه داشت تا دست نیاز به سوی این و آن دراز نشود و هم حقوق افراد فقیر جامعه در نظر گرفته شود و هم حقوق شرعی و اجتماعی. و در مجموع، موضوع جهان آخرت نیز مدنظر قرار گیرد.

۵. مشورت

یکی از راهبردهای تدبیر در یک مجموعه اعم از سازمان، اداره و خانواده، مشورت و رایزنی است. انسان هر قدر هم که نبوغ داشته باشد، نمی‌تواند همه زوایای مسایل و مشکلات را ببیند. از این رو اهمیت مشورت در تدبیر امور معیشت بر کسی پوشیده نیست.

پیامبر اسلام (ص) مصون از خطا بود و با قطع نظر از وحی، از فکر نیرومندی برخوردار بود و نیاز به مشورت نداشت، ولی با اینحال، با پیروان خویش مشورت می‌کرد^{۴۶} تا هم روحیه اظهار نظر و جوشش فکر و اندیشه در آنها بیدار شود و هم آنان را متوجه اهمیت مشورت نماید، تا آن را جزء برنامه‌های اساسی زندگی شخصی و اجتماعی خود قرار دهند.

در فرهنگ دینی، نظرخواهی از دیگران سبب آگاهی و بهره‌مندی از اندیشه‌های مختلف و شراکت در عقول،^{۴۷} شناخت خطاها^{۴۸} و اصلاح رأی خویش^{۴۹} خواهد شد.

«مشورت» به عنوان یک اصل در خانواده‌ها لازم است که حاکم باشد. و برای رفع اختلافات و ناسازگاریهایی که در بعضی از خانواده‌ها پیش می‌آید اعم از مسائل معیشتی، رفت و آمدها، آداب و رسوم، مهمانی‌ها، مراسم جشن و مانند اینها، بهترین راه این است که زن و مرد و سایر اعضای خانواده با هم مشورت و همفکری صمیمانه و همدلی داشته و خیرخواه یکدیگر باشند، یکدیگر را درک کنند و درباره دلیل‌ها و نظرات همدیگر بیندیشند، هوس‌ها و خودخواهی‌ها را کنار بگذارند و به حکم عقل گردن نهند، چراکه از طریق مشورت و شورا است که فکر تازه‌ای بین تفکرات جوانه می‌زند.

مشورت در خانواده سبب می‌شود که منازعات به حداقل برسد و یا در مواردی از بین برود و آرامش به زندگی برگردد و این امر می‌تواند کمک خوبی برای تدبیر معیشت باشد.

ممکن است شخص خود را به خاطر مشورت نکردن با دیگران سرزنش کند ولی از هیچ تصمیمی که براساس مشاوره گرفته باشد پشیمان نخواهد شد.

فواید مشورت در تدبیر معیشت فراوان است که برخی دیگر از آنها عبارتند از: جلوگیری از دوباره کاری، خطاهای فاحش، سرزنش افراد، ضررهای قابل توجه، ممانعت از مقروض شدن‌های بی‌مورد و ناخواسته، کنترل برخی تصمیمات براساس احساسات، پیشرفت امور معیشتی، بهره‌مندی از افکار و تجارب انسان‌های متفکر در امور معیشت، جلب رضایت و دلگرمی اعضاء، ممانعت از هزینه‌های سنگین در زندگی، افزایش بهره‌وری از امکانات و منابع موجود و مانند آن.

در مقابل، مشورت نکردن با دیگران و خودرأیی و استبداد رأی، شخصیت را در توده مردم می‌کشد و افکار را متوقف می‌سازد و استعدادهای آماده را نابود می‌سازد و آفتی است بزرگ، که انسان را از راه درست بازمی‌دارد و بدترین آسیب برای خرداندیشی محسوب می‌شود.^{۵۰} بر این اساس هر که عقل خویش را بی‌نیاز بیند، بلغزد،^{۵۱} که این ناشی از جهل و نادانی است^{۵۲} و سرانجام به هلاکت انسان می‌انجامد.^{۵۳}

۶. قاطعیت و تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری عبارت است از روند انتخاب میان چندین راه، که از گردآوری اطلاعات و تحلیل و پردازش آنها به روش علمی مایه می‌گیرد و به شناسایی راه حل‌های ممکن می‌پردازد. از این رو تفکر و بررسی در اطلاعات مربوط به مسئله، شناخت مسئله، تشخیص صحیح، وسعت دید، یافتن راه حل‌های مناسب، سنجش محاسن و معایب هر یک، آگاهی به ضرورت تصمیم‌گیری، مشخص کردن جوانب مختلف، اموری است که به عنوان عناصر مهم در تصمیم‌گیری نقش اساسی دارند.

بخشی از کارایی و کارآمدی مدیر به شهامت، قاطعیت و توان تصمیم‌گیری او بستگی دارد. این امر با نگرش اجمالی به زندگی انبیاء الهی به ویژه پیامبر گرامی اسلام (ص) و نیز اسامان معصوم (ع) حاصل می‌شود.

در دوران بیست و سه ساله بعثت پیامبر اسلام (ص) شواهد فراوانی بر این حقیقت می‌توان یافت. عزم آهنین رسول خدا (ص) در شکستن پتھایی که در خانه کعبه آویخته شده بود، تخریب

مسجد ضرار، پافشاری آن حضرت در اجرای حدود الهی و... را می‌توان نمونه‌های درخشانی از قاطعیت در تصمیم‌وی شمرد.

در برابر، ترس زیاد و بی‌جا، نشانه‌ی تزلزل شخصیتی و ناتوانی است،^{۵۴} که بر قامت مدیران نازیباست. از این رو، مدیر و مدیر توانا در امور معیشت کسی است که با عزمی استوار، هر جا نیازی حس شود و مصلحت اقتضا کند، تصمیم لازم را می‌گیرد. این راهبرد اساسی در تدبیر معیشت سبب می‌شود که کارها در موعد مقرر انجام پذیرد، جلوی طمع دیگران گرفته شود، زمینه ایجاد نظم در زندگی فراهم شود و مانع دخالت دیگران در امور گردد.

۷. اولویت و طبقه‌بندی هزینه‌ها

محدودیت درآمد و امکانات موجود از یک سو، و مخارج و هزینه‌های سنگین و نیازهای گوناگون زندگی از سوی دیگر موجب می‌شود که قدرت پاسخگویی به همه آنها مقدور نباشد. از همین رو تدبیر معیشت اقتضا می‌کند که هزینه‌های زندگی اولویت‌گذاری و طبقه‌بندی شود که براساس آن، کانون تلاشها و اعمال هزینه‌ها در راستای تأمین نیازهای ضروری و محوری تمرکز یابد و اهداف فرعی و کم‌اهمیت در ردیف‌های بعد قرار گیرد. اما در صورت عدم اولویت و طبقه‌بندی هزینه‌ها با فرض ثابت ماندن و محدود بودن درآمد، در برخی مواقع منجر به گرفتن وام و قرض خواهد شد که این امر، خود فشارهای جانبی دیگری را به خانواده وارد خواهد نمود. از این رو اهمیت اولویت و طبقه‌بندی نیاز به تبیین و تفسیر ندارد.

در این بحث دو نکته قابل توجه است: نخست آنکه باید آگاهانه عمل کرد و اطلاعات لازم را در مورد ضروری بودن هزینه‌ها به دست آورد. نکته دوم، داشتن اطلاعات لازم درباره‌ی قیمت کالاها و خدمات در مکان‌های متفاوت است که آگاهی از آن، امکان تصمیم‌گیری خردمندانه را فراهم می‌سازد.

مدیریت خردمندانه‌ی هزینه‌ها در خانواده‌های کم درآمد، با توجه به تورم موجود دشوار است و عدم آگاهی و دانش کافی زیان وارد می‌کند. اما این امر در خانواده‌های پردرآمد در کوتاه‌مدت زیان مهلکی وارد نمی‌کند ولی در درازمدت پیامدهای آن آشکار خواهد شد.

در این راستا، ثبت و نوشتن و جمع‌بندی هزینه‌های روزانه، هفتگی، ماهانه و سالانه، ضمن مشخص کردن میزان هزینه‌های انجام شده، امکان تحلیل و بررسی هزینه‌های صرف شده را نیز فراهم می‌سازد؛ اینکه مهم‌ترین رقم‌های هزینه مربوط به کدام یک از خریدها بوده و این

هزینه‌ها چه اندازه ضروری و حیاتی بوده و آثار آنها بر تعادل مالی خانواده به چه میزان بوده و... کمک بسیاری برای پیش‌بینی و برنامه‌ریزی واقعی هزینه‌های خانواده در آینده خواهد نمود. از این رو تدبیر صحیح امور معیشتی در جهت انطباق نیازها با امکانات، پس از انجام هزینه‌های مصرفی، تجربه‌آموزی از آن را نیز مورد توجه قرار می‌دهد.

۸. برنامه‌ریزی

یکی از راهبردهای مهم تدبیر در امور معیشت، برنامه‌ریزی در تمام مسائل زندگی اعم از کوچک و بزرگ، در محورهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. این امر موجب استحکام خانواده در جهات اقتصادی و معیشتی، موفقیت تحصیلی فرزندان، حساب و کتاب در امور دخل و خرجها، تنظیم خانواده و تعادل جمعیتی خواهد شد.

روشن است که انسان در راه خود به سوی هدف، از مسیرهای پربیخ و خم و راه‌های فرعی متعدد باید بگذرد. برنامه‌ریزی در این جهت انسان را در گذر از مسیر صحیح به سوی هدف مورد نظر توانا می‌سازد که بر فایق شدن او بر خیلی از مشکلات نقشی اساسی دارد. از این رو، اگر مسیر حرکت شناسایی و نقشه حرکت تهیه نشده باشد، شخص هیچ‌گاه به مقصد نخواهد رسید و از هدف دور خواهد شد.

نکاتی در ماهیت برنامه‌ریزی صحیح و مؤثر در محیط معیشتی خانواده ضرورت دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- بیان اهداف در بیشترین حدّ از وضوح و روشنی و جامعیت و مانعیت.
- نظرخواهی و مشاوره با اعضای خانواده و هر کس که به نحوی با برنامه‌ریزی یا اجرای آن برنامه به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم درگیر می‌شود و مشاوره با اهل دانش و اندیشه و تخصص.
- شناخت و آگاهی و بررسی‌های لازم پیرامون امور اهم و مهم و اولویت‌ها در زندگی.
- شکل‌گیری خط مشی برنامه با توجه به امکانات، و بررسی واقع‌بینانه محدوده منابع و موانع.
- گردآوری واقعیات، اطلاعات، دیدگاه‌ها و تجاربی که در اهداف برنامه تأثیر می‌گذارند.
- توجه به مسائل و تحولات زمان و موضوعات اجتماعی و آینده‌شناسی آنها.
- و همچنین استفاده از یافته‌های جدیدی که بر اثر آگاهی‌های روزافزون و کسب تجربه‌ها حاصل می‌شود، در جهت اصلاح برنامه تا با شناخت بهتر مشکلات و راه‌های مؤثرتر برای مقابله با آنها چاره‌جویی شود.

نتیجه گیری

راهبردهای مطرح شده در این نوشتار مانند نظم و انضباط، کار و تلاش، سرمایه گذاری، نظارت و کنترل، مشورت، قاطعیت و تصمیم گیری، اولویت و طبقه بندی هزینه ها و برنامه ریزی اگر در زندگی پیاده شود نتایج و فوائد ارزشمندی را به دنبال خواهد داشت از جمله:

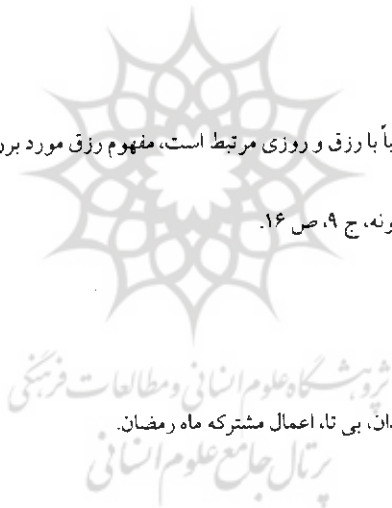
نظم و انضباط در امور، انسان را به تلاش، انجام تعهدات فردی و اجتماعی، قانونمندی، استفاده مطلوب از فرصت ها و امی دارد. سرمایه گذاری سبب افزایش درآمد و تولید ملی، اشتغال، کاهش تورم و بیکاری، ریشه کنی فقر، رهایی از سلطه بیگانگان، خودکفایی و پیشرفت فرد و جامعه در همه عرصه ها می شود. نظارت و کنترل در امور تضمینی است برای استفاده بهینه از فرصت ها و افزایش کارآمدی امکانات و شناسایی فرصت ها و جلوگیری از اسراف و تبذیر در مصرف. مشورت در امور معیشت سبب جلوگیری از خطاها، دوباره کاری، سرزنش افراد، مقروض شدن و ضررها می شود و همینطور سبب جلب رضایت و دلگرمی اعضای مجموعه خواهد شد. قاطعیت و تصمیم گیری سبب انجام کارها در موعد مقرر، جلوگیری از طمع دیگران و دخالت آنها، و ایجاد نظم در زندگی را به دنبال دارد. اولویت و طبقه بندی هزینه ها سبب می شود تا قدرت پاسخگویی به نیازها و برآمدن از عهده مخارج سنگین برای انسان حاصل می شود. و برنامه ریزی نیز بسیاری از آثار مطرح شده را به همراه دارد.

خلاصه آنکه با بکارگیری این راهبردها در امور معیشت، استحکام خانواده، موفقیت تحصیلی فرزندان، حساب و کتاب در امور دخل و خرجها، تنظیم و تعادل جمعیتی خانواده و... را به همراه دارد و عدم توجه به هر کدام از اینها ضررهای جبران ناپذیری ممکن است در زندگی به دنبال داشته باشد.

پی نوشتها:

۱. تحف العقول عن الرسول (ص)، ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبة الحرانی، قم، منشورات الشریف الرضی، بی تا، ص ۲۶۶.
۲. امالی، شیخ طوسی، قم، انتشارات مکتبه الداوری، بی تا، ج ۲، ص ۲۸۳.
۳. مکارم الاخلاق، فضل بن حسن الطبرسی، بیروت، انتشارات اعلی، ۱۳۹۲ ق، ص ۴۵۸.
۴. بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسه وفا، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۵، ص ۲۵.
۵. ر. ک: لسان العرب، ابن منظور، بیروت، بی تا، ج ۴، ص ۲۷۳، ماده «دبر»؛ مقایس اللغة، احمد بن فارس، قم، دارالکتب الاسلامیة، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۴، ماده «دبر»؛ المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، بیروت، دارالمعرفة، بی تا، ماده «دبر».

۶. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبایی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.
۷. المنجد (عربی به فارسی)، لوئیس معلوف، ترجمه محمد بندرریگی، ایران، بازار بین الحرمین، بی تا، ج ۱، ماده «دبر».
۸. المیزان، سید محمدحسین طباطبایی، ج ۱۱، ص ۲۹۰.
۹. سجده (۳۲)، آیه ۵؛ یونس (۱۰)، آیه ۳ و ۳۱؛ رعد (۱۳)، آیه ۲.
۱۰. نازعات (۷۹)، آیه ۵.
۱۱. ر.ک: المیزان، ج ۱۱، ص ۲۹۰ و ۲۹۵.
۱۲. مجمع البیان، فضل بن حسن الطبرسی، تهران، دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۳۶۵ ش، ج ۵، ص ۱۳۶.
۱۳. همان، ج ۱۰، ص ۶۵۲.
۱۴. الحیاة، محمدرضا، محمد و علی حکیمی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش، ج ۴، ص ۲۶۱.
۱۵. مضمون روایت از «الحیاة»، ج ۴، ص ۲۶۰، روایت ۲۶.
۱۶. الحیاة، ج ۴، ص ۲۵۷؛ امام صادق(ع): مِنَ الَّذِینَ التَّدْبِیْرُ فِی الْمَعِیْشَةِ.
۱۷. مفردات، ماده «عیش».
۱۸. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هشتم، ۱۳۶۸ ش، ج ۱۱، ص ۵۵؛ المیزان، ج ۱۲، ص ۱۴۰.
۱۹. حجر (۱۵)، آیه ۲۰.
۲۰. تفسیر نمونه، ج ۲۶، پاورقی، ص ۲۱.
۲۱. از آنجایی که تدبیر در امور معیشت غالباً با رزق و روزی مرتبط است، مفهوم رزق مورد بررسی قرار گرفت.
۲۲. مفردات، ماده «رزق».
۲۳. ر.ک: المیزان، ج ۳، ص ۱۳۷؛ تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۱۶.
۲۴. مؤمن (۴۰)، آیه ۶۴.
۲۵. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۶۰.
۲۶. آل عمران (۳)، آیه ۱۶۹.
۲۷. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۱۸.
۲۸. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، جاویدان، بی تا، اعمال مشترکه ماه رمضان.
۲۹. همان، دعای روز پانزدهم ماه رمضان.
۳۰. همان، دعای حضرت مهدی(عج).
۳۱. برای آگاهی بیشتر پیرامون مسائل مربوط به «رزق» ر.ک: المیزان، ج ۳، ص ۱۴۰ و ج ۱۰، ص ۱۴۹؛ تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۰۴-۲۰۵ و ج ۹، ص ۱۵ و ۲۱؛ بیست گفتار، مرتضی مطهری، صدرا، چاپ اول، ۱۳۵۸ ش، ص ۱۳۶؛ معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن، سید محمدکاظم رجایی با همکاری گروه اقتصاد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش، ص ۷۱.
۳۲. ر.ک: فرهنگ مدیریت «توصیفی»، درک فرننج و هشیر ساورد، ترجمه محمد صابئی، ص ۶۰۲؛ فرهنگ علوم سیاسی، علی آقابخشئی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش، ص ۳۲۹.
۳۳. عیون الحکم والمواعظ، کافی الدین ابن الحسن الیثی، الواسطی، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش، ص ۳۵۴.
۳۴. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۴۱۲.
۳۵. وسایل الشیعه، محمد بن الحسن الحزّ العاملی، ج ۶، ۱۴۰۳ ق، ص ۲۴.
۳۶. تحف العقول، ص ۳۰۷.



۳۷. الحیاة، ج ۵، ص ۳۲۴؛ الفروع من الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، بیروت، دارالتعارف، چاپ سوم، ۱۴۰۱ ق، ج ۵، ص ۷۵-۷۶.
۳۸. وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳، باب ۹، حدیث ۷.
۳۹. ر.ک: همان، ص ۴۳، باب ۲۳، حدیث ۲.
۴۰. عباراتی مانند «حَلَقَ لَکُمْ: برای شما آفرید»، «جَعَلَ لَکُمْ: برای شما قرارداد»، «اللسان: برای مردم»، «رِزْقاً لَکُمْ: روزی شما» و... .
۴۱. پدیده‌شناسی فقر و توسعه، محمد حکیمی (اشراف)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۸۰ ش، ج ۳، ص ۲۶۶.
۴۲. الحیاة، ج ۳، ص ۶۸.
۴۳. یوسف (۱۲)، آیات ۴۷-۴۹.
۴۴. فروع کافی، ج ۵، ص ۹۱، حدیث ۲.
۴۵. همان، ص ۷۶، حدیث ۱۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک: همان، ص ۹۲، حدیث ۵؛ میزان الحکمة، ج ۹، ص ۲۸۱.
۴۶. روشن است که آن حضرت هرگز در قانون‌گذاری و احکام الهی با مردم مشورت نمی‌کرد، بلکه در آنها صرفاً تابع وحی بود و تنها در طرز اجرای قانون نظر مسلمانان را جویا می‌شد، از این رو گاهی که پیامبر پیشنهادی را مطرح می‌کرد، مسلمانان نخست سؤال می‌کردند که آیا این یک حکم و قانون الهی است که قابل اظهار نظر نباشد و باید تسلیم بود و یا مربوط به چگونگی تطبیق قوانین می‌باشد که در این صورت اظهار نظر می‌کردند. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۴۳.
۴۷. امام علی (ع): مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَاوَرَ كَهْفًا فِي عُقُولِهَا، عیون الحکم والمواعظ، ص ۴۴.
۴۸. امام علی (ع): مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْأَرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَاءِ، خصائص الأئمة، الشریف الرضی، تحقیق محمدهادی امینی، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق، ص ۱۱۰.
۴۹. امام علی (ع): عاقل کسی است که رأی خود را متهم کند (نادرست شمارد) و به هر چه نفسش در نظر او آراسته جلوه داد، اعتماد نکند: شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، دار احیاء الکتب العربیة، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ق، ج ۲، ص ۲۷۳.
۵۰. مضمون روایتی از امام علی (ع)، ر.ک: میزان الحکمة، ج ۱، ص ۱۱۳.
۵۱. کنز الفوائد، ابوالفتح الکراچی، بی تا، ص ۸۸.
۵۲. عیون الحکم والمواعظ، ص ۳۸۵.
۵۳. نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، محمدباقر محمودی، بیروت، مؤسسه التضامن الفکری، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق، ج ۷، ص ۲۷۶.
۵۴. امام علی (ع): شِدَّةُ الْجُبْنِ بَيْنَ عَجْزِ النَّفْسِ، میزان الحکمة، ج ۲، ص ۱۶.